

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جزء بیست و نهم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه الملک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾

پربرکت و زوال ناپذیر است کسی که حاکمیت و مالکیت (جهان هستی) به دست
اوست، و او بر هر چیز تواناست.

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ
عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾

آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید، و او توانا و آمرزنده است.

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ
 مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ﴿٣﴾

همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید؛ در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی بینی. بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می کنی؟!

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا
وَهُوَ حَسِيرٌ ﴿٤﴾

سپس بار دیگر (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان) ناکام مانده و خسته و ناتوان به سوی تو باز می گردد.

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا
رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ﴿٥﴾

ما آسمان پایین [= نزدیک] را با چراغهای فروزانی زینت بخشیدیم، و آنها [= شهابها]
[را تیرهایی برای (راندن) شیاطین قرار دادیم، و برای آنان عذاب آتش فروزان فراهم
ساختیم.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ
وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٦﴾

و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند عذاب جهنم است، و چه بد فرجامی
است!

إِذَا الْقُورُ فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورٌ ﴿٧﴾

هنگامی که در آن افکنده شوند صدای وحشتناکی از آن می شنوند، در حالی که پیوسته فوران می کند!

تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلِّقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ
خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ﴿٨﴾

نزدیک است (دوزخ) از شدت غضب پاره پاره شود؛ هر زمان که گروهی در آن افکنده می شوند، نگهبانان دوزخ از آنها می پرسند: «مگر بیم دهنده الهی به سراغ شما نیامد؟!»

قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ
 مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ﴿٩﴾

می گویند: «چرا، بیم دهنده ای به سراغ ما آمد، ولی ما (او را) تکذیب کردیم و گفتیم:
 «خداوند هرگز چیزی نازل نکرده، و شما در گمراهی بزرگی هستید.»

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا
فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١٠﴾

و می گویند: «اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می کردیم، در میان دوزخیان نبودیم.»

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١١﴾

این جاست که به گناه خود اعتراف می کنند؛ دور باشند دوزخیان (از رحمت خدا)!

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ

كَبِيرٌ ﴿١٢﴾

به یقین کسانی که از پروردگارشان در نهان می ترسند، آمرزش و پاداش بزرگی دارند.

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ
عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٣﴾

گفتار خود را پنهان کنید یا آشکار (تفاوتی نمی کند)، زیرا او به آنچه در درون
سینه هاست آگاه است.

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٤﴾

آیا آن کسی که موجودات را آفریده از حال آنها آگاه نیست؟! در حالی که او (از اسرار دقیق) باخبر و آگاه است.

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي
 مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ﴿١٥﴾

او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر پشت آن راه بروید و از روزی خداوند
 بخورید؛ و (بازگشت و) اجتماع همه تنها به سوی اوست.

أَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ
بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ﴿١٦﴾

آیا از این ایمن هستید که خداوند حاکم بر آسمان شما را در زمین فرو برد و همچنان به لرزش خود ادامه دهد؟!

أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا
 فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ ﴿١٧﴾

یا ایمن هستید از اینکه خداوند حاکم بر آسمان طوفانی از شن بر شما فرستد؟! و بزودی خواهید دانست تهدیدهای من چگونه است!

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ
فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿١٨﴾

و کسانی که پیش از آنان بودند (آیات الهی را) تکذیب کردند، اما (بین) مجازات
من چگونه بود!

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا
يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ﴿١٩﴾

آیا به پرندگانی که بالای سرشان است، و بالهای خود را گسترده و جمع می کنند، نگاه نکردند؟! جز خداوند رحمان کسی آنها را برفراز آسمان نگه نمی دارد، چرا که او به هر چیز بیناست.

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ
الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ﴿٢٠﴾

آیا این کسی که لشکر شماست می تواند شما را در برابر خداوند یاری دهد؟! ولی کافران تنها گرفتار فریبند.

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ
بَلْ لَجَّوْا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ ﴿٢١﴾

یا اگر (خدا) روزیش را بازدارد کیست آن کس که شما را روزی دهد؟! ولی آنها در سرکشی و فرار از حقیقت لجاجت مپورزند.

أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي
سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢٢﴾

آیا کسی که به رو افتاده راه می رود به هدایت نزدیکتر است یا کسی که راست قامت در
صراط مستقیم گام برمی دارد؟!

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ
وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٢٣﴾

بگو: «او کسی است که شما را آفرید و برای شما گوش و چشم و عقل قرارداد؛ اما کمتر سپاسگزاری می کنید.»

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ
وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾

بگو: «او کسی است که شما را در زمین آفرید
و به سوی او محشور می شوید.»

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ
إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾

آنها می گویند: «اگر راست می گوید این
وعده (قیامت) چه زمانی است؟!»

قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا
أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٦﴾

بگو: «علم آن، تنها نزد خداست؛ و من فقط
بیم دهنده آشکاری هستم.»

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئًا وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا
 وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ ﴿٢٧﴾

هنگامی که آن (وعده الهی) را از نزدیک می بینند، صورت کافران زشت و سیاه می گردد، و (به آنها) گفته می شود: «این همان چیزی است که تقاضای آن را داشتید!»

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِیَ اللّٰهُ وَمَنْ مَعِیَ أَوْ رَحِمَنَا
فَمَنْ یُجِیْرُ الْکَافِرِیْنَ مِنْ عَذَابِ الْیَمِّ ﴿۲۸﴾

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند مرا و کسانی را که با من هستند هلاک کند، یا ما را مورد رحمت قرار دهد، چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می دهد؟!»

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ
 مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٩﴾

بگو: «او خداوند رحمان است، ما به او ایمان آورده و تنها بر او توکل کرده ایم؛ و بزودی می دانید چه کسی در گمراهی آشکار است!»

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ

بِمَاءٍ مَعِينٍ ﴿٢٠﴾

بگو: «به من خبر دهید اگر آبهای (سرزمین) شما در زمین فرورود، چه کسی آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار می دهد؟!»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه قلم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿١﴾

ن، سوگند به قلم و آنچه می نویسند،

مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴿٢﴾

که به لطف و نعمت پروردگارت
تو مجنون نیستی،

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ﴿٣﴾

و برای تو پاداشی بزرگ و همیشگی است.

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾

و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری.

فَسْتَبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ ﴿٥﴾

و بزودی تو می بینی و آنان نیز می بینند،

بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ ﴿٦﴾

که کدام یک از شما مجنونید!

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ
وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٧﴾

به یقین پروردگارت بهتر از هر کس می داند چه کسی از راه او گمراه شده، و نیز از هدایت یافتگان بهتر آگاه است.

فَلَا تُطِيعِ الْمُكْذِبِينَ ﴿٨﴾

حال که چنین است از تکذیب
کنندگان اطاعت مکن.

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ ﴿٩﴾

آنها دوست دارند (در مورد انحراف از حق) نرمش نشان دهی تا آنها (هم)
نرمش نشان دهند.

وَلَا تُطِيعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ ﴿۱۰﴾

و از کسی که سوگند یاد می کند و پست است اطاعت مکن.

هَمَّازٌ مَّشَاءٍ بِنَمِيمٍ ﴿١١﴾

کسی که بسیار عیج و سخن چین است،

مَنْعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٌ ﴿١٢﴾

و بسیار مانع کار خیر، و متجاوز و گناهکار است؛

عُتِلِّ بِعَدِّ ذَلِكِ زَنِيمٍ ﴿۱۳﴾

علاوه بر این کینه توز و بدنام است.

أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ﴿١٤﴾

مبادا بخاطر مال و فرزندان فراوانش
(از او پیروی کنی)!

إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٥﴾

(در حالی که) هرگاه که آیات ما براو خوانده شود می گوید: «اینها افسانه های پیشینیان است.»

سَنَسِمْهُ عَلَى الْخُرْطُومِ ﴿١٦﴾

ولی ما بزودی بر بینی او داغ (ننگ) می نهیم.

إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا
لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ﴿١٧﴾

ما آنها را آزمودیم، همان گونه که «صاحبان باغ» را آزمایش کردیم، هنگامی که سوگند خوردند که میوه های باغ را صبحگاهان (دور از چشم مستمندان) بچینند.

وَلَا يَسْتَنْوْنَ ﴿١٨﴾

وهیچ (کس را) از آن استثنا نکنند؛

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ
وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿١٩﴾

اما عذابی فراگیر از سوی پروردگارت (شب هنگام) بر باغ آنها فرود آمد در حالی
که آنان در خواب بودند،

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ﴿٢٠﴾

و آن باغ (سرسبز) همچون شب
سیاه و ظلمانی شد.

فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ ﴿٢١﴾

صبحگاهان یکدیگر را صدا زدند،

أَنْ اَعْدُوا عَلٰى حَرْثِكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ ﴿۲۲﴾

که اکنون به سوی کشتزار و باغ خود حرکت کنید اگر قصد چیدن میوه ها را دارید.

فَانْطَلِقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ ﴿٢٣﴾

آنها حرکت کردند در حالی که آهسته با هم می گفتند:

أَنَّ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مِسْكِينٌ ﴿٢٤﴾

«مواظب باشید امروز حتی یک فقیر در آن باغ بر شما وارد نشود.»

وَعَدَّوْا عَلٰی حَرٍِّ قَادِرِيْنَ ﴿٢٥﴾

(آری) آنها صبحگاهان تصمیم داشتند
که با قدرت از مستمندان جلوگیری کنند.

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ ﴿٢٦﴾

هنگامی که (وارد باغ شدند و) آن را دیدند گفتند: «حقاً ما گمراهیم.»

بَلِّغْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿۲۷﴾

بلکه ما محرومیم (و همه چیز از دست ما رفته).»

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ﴿٢٨﴾

آنکه از همه آنها عاقلتر بود گفت: «آیا به شما نگفتم چرا تسبیح خدا نمی گوئید؟!»

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٩﴾

گفتند: «منزه است پروردگار ما،
به یقین ما ستمکار بودیم.»

فَأَقْبِلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتْلَاوَمُونَ ﴿٣٠﴾

سپس رو به یکدیگر کرده به سرزنش هم پرداختند،

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ ﴿٣١﴾

(و فریادشان بلند شد) گفتند: «وای بر ما که طغیانگر بودیم!

عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا
إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ ﴿٣٢﴾

امیدواریم پروردگارمان (مارا ببخشد و) بهتر از آن به جای آن به ما بدهد، چرا که ما به
سوی پروردگارمان روی آوردیم.»

كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْأَخِيرَ الْأَكْبَرُ
لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۳۳﴾

این گونه است عذاب (خداوند در دنیا)، و عذاب آخرت از آن بزرگتر است اگر می دانستند.

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ﴿٢٤﴾

به یقین برای پرهیزگاران نزد پروردگارشان باغهای پر نعمت بهشتی است.

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٥﴾

آیا مؤمنان را همچون مجرمان قرار دهیم!؟

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٦﴾

شما را چه می شود؟! چگونه داوری می کنید!؟

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ﴿٣٧﴾

آیا کتابی دارید که از آن درس می‌گیرید،

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ﴿٣٨﴾

که در آن آمده است هر چه را بخواهید
می‌توانید انتخاب کنید؟!!

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالِغَةِ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ ﴿٣٩﴾

یا این که عهد مستمری تا روز قیامت بر ما دارید که هرچه را حکم کنید برای شما
باشد؟!

سَلُّهُمْ أَيُّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ ﴿٤٠﴾

از آنها پیرس کدامشان چنین چیزی
را تضمین می کند؟!

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ
إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٤١﴾

یا این که معبودانی دارند که آنها را همتای خدا قرار داده اند (و برای آنان شفاعت می کنند)؟! اگر راست می گویند همتایان خود را بیاورند!

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى
السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٤٢﴾

(به خاطر بیاورید) روزی را که هول و وحشت به نهایت می رسد و دعوت به سجود می شوند، اما نمی توانند (سجده کنند).

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ
إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ ﴿٤٣﴾

این در حالی است که چشمهایشان (از شدت شرمساری) به زیر افتاده، و ذلت خواری
وجودشان را فرا می گیرد؛ آنها پیش از این دعوت به سجود می شدند در حالی که
سالم بودند. (ولی امروز دیگر توانایی آن را ندارند)

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكْذِبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ
مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٤﴾

اکنون مرا با آنها که این سخن را تکذیب می کنند واگذار! ما آنان را از آن جا که نمی دانند
بتدریج به سوی عذاب پیش می بریم.

وَأْمَلِي لَهُمْ إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿٤٥﴾

و به آنها مهلت می دهم؛ چرا که نقشه
و تدبیر من محکم و متین است.

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ
مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴿٤٦﴾

آیا تو از آنها مزدی می‌طلبی که پرداختش
برای آنها سنگین است؟!

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ ﴿٤٧﴾

یا اسرار غیب نزد آنهاست و آن را می نویسند
(و به یکدیگر می دهند)؟!!

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ
 نادى وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٤٨﴾

پس در ابلاغ حکم پروردگارت شکیبا باش، و مانند صاحب ماهی [= یونس] مَبَاش (که در ابلاغ حکم خدا شتاب کرد و گرفتار کیفر ترک اولی شد) در آن زمان که با نهایت اندوه خدا را خواند.

لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ
وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿٤٩﴾

و اگر رحمت پروردگارش به یاریش نیامده بود، (از شکم ماهی) بیرون افکنده می شد
در حالی که نکوهیده بود.

فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٥٠﴾

ولی پروردگارش او را برگزید و از صالحان قرار داد.

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا
سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾

نزدیک است کافران هنگامی که آیات قرآن را می شنوند با چشم زخم خود تو را نابود سازند، و می گویند: «او به یقین دیوانه است.»

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٥٢﴾

در حالی که این (قرآن) جز تذکر (و مایه بیداری) برای جهانیان نیست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه الحاقه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

الْحَاقَّةُ ﴿١﴾

(روز رستاخیز) روزی است که
به یقین واقع می شود.

مَا الْحَاقَّةُ ﴿۲﴾

چه روز واقع شدنی!

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٣﴾

و تو چه می دانی آن روز واقع شدنی چیست؟!

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ ﴿٤﴾

قوم «ثمود» و «عاد» عذاب کوبنده الهی را انکار کردند (و نتیجه شومش را دیدند).

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ ﴿٥﴾

اما قوم «ثمود» با عذابی سرکش هلاک شدند.

وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ﴿٦﴾

و قوم «عاد» با تندبادی طغیانگرو سرد
و پرصدا به هلاکت رسیدند،

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى
الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ﴿٧﴾

(خداوند) این تند باد (بنیان کن) را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها مسلط ساخت، و (اگر آن جا بودی) می دیدی که آن قوم مانند تنه های پوسیده نخل در میان این تندباد روی زمین افتاده اند.

فَهَلْ تَرَىٰ لَهُم مِّنْ بَاقِيَةٍ ﴿٨﴾

آیا کسی از آنها را باقی می بیند؟!

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ
وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ ﴿٩﴾

و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و اهل شهرهای زیرو رو شده [= قوم لوط]
مرتکب گناهان بزرگ شدند،

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ
أَخْذَةً رَابِيَةً ﴿١٠﴾

از این رو با فرستاده پروردگارشان مخالفت کردند؛ و خداوند آنها را به عذاب
شدیدی گرفتار ساخت.

إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ ﴿١١﴾

و هنگامی که آب طغیان کرد، شما
را سوار بر کشتی کردیم،

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أذُنٌ وَّاعِيَةٌ ﴿١٢﴾

تا آن را وسیله تذکری برای شما قرار دهیم و گوشهای شنو آن را دریابد (و درک کند).

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿١٣﴾

به محض این که نخستین بار
در «صور» دمیده شود،

وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا
دَكَّةً وَاحِدَةً ﴿١٤﴾

و زمین و کوهها از جا برداشته شوند و یکباره در هم کوبیده و متلاشی گردند،

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١٥﴾

در آن روز واقعه (عظیم قیامت) روی می دهد،

وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فِي يَوْمِئِذٍ وَاهِيَةً ﴿١٦﴾

و آسمان از هم می شکافد و آنگاه سست
می گردد (و فرو می ریزد).

وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ
 يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ ﴿١٧﴾

فرشتگان در اطراف آسمان قرار می گیرند (و برای انجام مأموریتها آماده می شوند) و آن روز عرش (قدرت) پروردگارت را هشت فرشته بر فراز همه آنها حمل می کنند.

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ﴿١٨﴾

در آن روز همگی (به پیشگاه خدا) عرضه می شوید و چیزی از کارهای مخفی شما پنهان نمی ماند.

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ
هَؤُومٌ أَقْرَأُوا كِتَابِيَهٗ ﴿١٩﴾

اما کسی که نامه اعمالش را به دست راستش دهند (از شدت شادی) فریاد می زند که:
(ای اهل محشر!) «نامه اعمال مرا بگیرید و بخوانید!

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَّةٍ ﴿٢٠﴾

من یقین داشتم که (قیامتی در کار است و)
به حساب اعمالم می رسم.»

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿٢١﴾

او در یک زندگی کاملا رضایت بخش
قرار خواهد داشت،

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿٢٢﴾

در بهشتی عالی،

قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ﴿٢٣﴾

که میوه هایش در دسترس است.

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ
فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ﴿٢٤﴾

(و به آنان گفته می شود:) بخورید و بیاشامید گوارا باد بر شما، اینها در برابر اعمالی
است که در ایام گذشته انجام دادید!

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ
يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ ﴿٢٥﴾

اما کسی که نامه اعمالش را به دست چپش بدهند می گوید: «ای کاش هرگز نامه اعمالم را به من نمی دادند.»

وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَّ ﴿٢٦﴾

و نمی دانستم حساب من چیست!

يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ ﴿٢٧﴾

ای کاش مرگم فرامی رسید!

مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَّةٌ ﴿٢٨﴾

مال و ثروتم هرگز مرا بی نیاز نکرد،

هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيَّةٌ ﴿٢٩﴾

قدرت من نیزاز دست رفت!

خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ﴿٣٠﴾

(فرمان می رسد:) او را بگیرید و دربند
و زنجیرش کنید!

ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلْوُهُ ﴿٣١﴾

سپس او را در دوزخ بیفکنید!

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ
ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ﴿٣٢﴾

بعد او رابه زنجیری که هفتاد
ذراع است ببندید;

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ﴿۳۳﴾

چرا که او (با دیدن دلایل روشن) هرگز به
خداوند بزرگ ایمان نمی آورد،

وَلَا يَخُصُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣٤﴾

و هرگز بر اطعام مستمندان تشویق نمی نمود؛

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ ﴿٣٥﴾

از این رو امروز هم در این جا
دوستی صمیمی ندارد،

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ﴿٢٦﴾

و نه طعامی، جز از چرک و خون.

لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ﴿٣٧﴾

طعامی که جز خطاکاران آن را نمی خورند.

فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ﴿۳۸﴾

سوگند به آنچه می بینید،

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٩﴾

و آنچه نمی بینید،

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿٤٠﴾

که این قرآن گفتار رسول بزرگواری است،

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلاً مَا تُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾

و گفته شاعری نیست، اما کمتر
ایمان می آورید!

وَلَا يَقُولِ كَاهِنٍ قَلِيلاً مَا تَذَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾

و نه گفته کاهنی، اما کمتر متذکر می شوید.

تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٣﴾

کلامی است که از سوی پروردگار
جهانیان نازل شده است.

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾

و اگر او سخنی دروغ بر ما می بست،

لَا أَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿٤٥﴾

ما او را با قدرت می گرفتیم،

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿٤٦﴾

سپس رگ قلبش را قطع می کردیم،

فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ﴿٤٧﴾

و هیچ کس از شما نمی توانست از
(مجازات) او مانع شود.

وَإِنَّهُ لَتَذِكْرٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾

و به یقین این قرآن، تذکری
برای پرهیزگاران است.

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾

و ما می دانیم که بعضی از شما (آن را) تکذیب می کنید.

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٥٠﴾

وآن مایه حسرت کافران است.

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ﴿٥١﴾

و آن یقین خالص است.

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٥٢﴾

حال که چنین است به نام پروردگار
بزرگت تسبیح گوی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه معارج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ﴿١﴾

تقاضا کننده ای تقاضای عذابی
کرد که انجام می گیرد.

لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ﴿٢﴾

(این عذاب) برای کافران است، و هیچ کس نمی‌تواند آن را دفع کند،

مِنْ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ﴿٢﴾

از سوی خداوندی که فرشتگانش
بر آسمانها صعود می کنند

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ
خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ﴿٤﴾

فرشتگان و روح (آن فرشته مقرب خداوند) به سوی او عروج می‌کنند در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است.

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ﴿٥﴾

پس صبر جمیل پیشه کن،

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً ﴿٦﴾

زیرا آنها آن روز را دور می بینند،

وَنَرَاهُ قَرِيبًا ﴿٧﴾

و ما آن رانزدیک می بینیم.

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ ﴿٨﴾

همان روزی که آسمان همچون
فلز گداخته می شود،

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ﴿٩﴾

و کوهها مانند پشم رنگین (درفضا)
متلاشی خواهد بود،

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيماً ﴿١٠﴾

وهیچ دوستی صمی می سراغ
دوستش ران می گیرد!

يُبْصِرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي

مِنْ عَذَابٍ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ ﴿١١﴾

آنها را به یکدیگر نشان می دهند (ولی هر کس گرفتار کار خویشان است آن چنانکه)
گنهکار دوست می دارد فرزندان خود را در برابر عذاب آن روز فدا کند،

وَصَاحِبَيْهِ وَأَخِيهِ ﴿١٢﴾

و همسرو برادرش را،

وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ ﴿١٣﴾

و قبیله اش را که از او حمایت می کرد،

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ ﴿١٤﴾

و همه مردم روی زمین را تا
مایه نجاتش گردند;

كَلَّا إِنَّهَا لَنظَىٰ ﴿١٥﴾

هرگز چنین نیست (که با اینها بتوان نجات یافت، آری) تنها شعله های سوزان آتش
است،

نَزَّاعَةٌ لِّلشَّوٰى ﴿١٦﴾

که پوست بدن را می کند و می برد.

تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى ﴿١٧﴾

و کسانی را که (به فرمان خدا) پشت کردند
(به سوی خود) می خوانند.

وَجَمَعَ فَأَوْعَى ﴿١٨﴾

و (آنها که اموال را) جمع و ذخیره کردند.

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ﴿١٩﴾

به یقین انسان حریص و کم طاقت
آفریده شده است،

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ﴿٢٠﴾

هنگامی که بدی به او رسد بی تاب می کند،

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ﴿٢١﴾

و هنگامی که خوبی به او رسد مانع دیگران می شود (و بخل می ورزد)،

إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿٢٢﴾

مگر نمازگزاران،

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿۲۳﴾

کسانی که نمازهایشان را دائماً به جا می آورند،

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ﴿٢٤﴾

و کسانی که در اموالشان حق معینی است،

لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿٢٥﴾

برای سائل و محروم،

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿٢٦﴾

و آنها که به روز جزا ایمان دارند،

وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿٢٧﴾

و آنها که از عذاب پروردگارشان بیمناکند،

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ﴿٢٨﴾

چرا که هیچ کس از عذاب
پروردگارش در امان نیست،

وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٢٩﴾

و آنها که دامان خویش را
(از بی عفتی) حفظ می کنند،

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ
فَأِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٣٠﴾

جزبا همسران و کنیزان (که در حکم همسرند آمیزش ندارند)، به یقین چنین کسانی مورد سرزنش نخواهند بود.

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذٰلِكَ فَاولِيكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿۳۱﴾

و هر کس جز اینها را طلب کند، متجاوز است.

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٣٢﴾

و آنها که امانتها و پیمان خود
را رعایت می کنند،

وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ ﴿۳۳﴾

و آنها که به ادای شهادتشان قیام می نمایند،

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿۳۴﴾

و آنها که بر نمازشان مواظبت دارند،

أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ﴿٢٥﴾

آنان (که چنین اوصافی دارند) در باغهای بهشتی گرمی داشته می شوند.

فَمَا لِلَّذِينَ كَفَرُوا قَبْلَكَ مُهْتَطِعِينَ ﴿٣٦﴾

پس کافران را چه می شود که
با سرعت نزد تو می آیند،

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ﴿٣٧﴾

از راست و چپ، گروه گروه (و آرزوی بهشت دارند)؟!!

أَيُّطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ
يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ﴿٣٨﴾

آیا هریک از آنها (با این اعمال زشتش) طمع دارد که او را در بهشت پر نعمت الهی وارد کنند؟!

كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾

هرگز چنین نیست؛ ما آنها را از آنچه خودشان می دانند آفریده ایم.

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ
إِنَّا لَقَادِرُونَ ﴿٤٠﴾

سوگند به پروردگار مشرقها
و مغربها که ما قادریم،

عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا
بِحَسْنٍ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٤١﴾

که جای آنان را به کسانی بدهیم که از آنها بهترند؛ و ما هرگز مغلوب نخواهیم شد.

فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا
يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ﴿٤٢﴾

آنان را به حال خود واگذار تا در باطل فروروند و بازی کنند تا روز موعود خود را ملاقات نمایند.

يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ
إِلَىٰ نُصْبٍ يُؤْفَضُونَ ﴿٤٣﴾

همان روز که از قبرها بسرعت خارج می‌شوند، گویی به سوی بتها می‌دوند؛

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكِ
الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٤٤﴾

در حالی که چشמהایشان (از شرم و وحشت) به زیرافتاده، و (پرده ای از) ذلت و خواری آنها را پوشانده است. این همان روزی است که به آنها وعده داده می شد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه نوح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١﴾

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و گفتیم: «قوم خود را انداز کن پیش از آن که عذاب دردناکی به سراغشان آید.»

قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢﴾

گفت: «ای قوم من! به یقین من برای
شما انذار کننده آشکاری هستم،

أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا ﴿٣﴾

که خدا را پرستش کنید و از مخالفت او
پرهیزید و مرا اطاعت نمایید،

يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى
 إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾

تا خدا گناهانتان را ببامرزد و تا زمان معینی شما را عمر دهد؛ زیرا هنگامی که اجل الهی فرا رسد، تأخیری نخواهد داشت اگر می دانستید.»

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ﴿٥﴾

(نوح) گفت: «پروردگارا! من قوم خود را شب و روز (به سوی تو) دعوت کردم،

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا ﴿٦﴾

اما دعوت من چیزی جز فرار
(از حق) بر آنان نیفزود.

وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِيَتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ
 فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا
 اسْتِكْبَارًا ﴿٧﴾

و من هر زمان آنها را دعوت کردم (که ایمان بیاورند) تا تو آنها را بیامرزی، انگشتان
 خویش را در گوشهایشان قرارداده و لباسهایشان را بر خود پیچیدند، و در مخالفت
 اصرار ورزیدند و بشدت استکبار کردند.

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ﴿٨﴾

سپس من آنها را با صدای بلند
(به اطاعت فرمان تو) دعوت کردم،

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا ﴿٩﴾

سپس آشکارا و نهان (حقیقت توحید و ایمان را) برای آنان بیان داشتم.

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿۱۰﴾

و گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است،

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً ﴿١١﴾

تا بارانهای پربرکت آسمان را پی در پی
بر شما فرو فرستد،

وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ
يَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَاراً ﴿١٢﴾

و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغهای سرسبز و نه‌های جاری
در اختیارتان قرار دهد.

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَاراً ﴿۱۳﴾

چرا شما برای خدا عظمت قائل نیستید!؟

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ﴿١٤﴾

در حالی که شما را در مراحل مختلف آفرید
(تا از نطفه به صورت انسان کامل رسیدید).

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ
سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ﴿١٥﴾

آیا نمی دانید چگونه خداوند هفت آسمان را برفراز یکدیگر آفریده است،

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَ
جَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا ﴿١٦﴾

و ماه را در میان آن ها مایه روشنایی، و خورشید را چراغ فروزانی قرار داده است!؟

وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿١٧﴾

و خداوند شما را همچون گیاهی
از زمین رویانید،

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿١٨﴾

سپس شما را به زمین باز می گرداند،
و بار دیگر شما را خارج می سازد.

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿١٩﴾

و خداوند زمین را برای شما فرش گسترده ای قرار داد،

لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا ﴿٢٠﴾

تا از راههای وسیع و درّه های آن بگذرید
(و به هر جا می خواهید بروید).»

قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنِّهِمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَ
 وَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا ﴿٢١﴾

نوح (بعد از نومییدی از هدایت آنان) گفت: «پروردگارا! آنها نافرمانی من کردند و از کسانی پیروی نمودند که اموال و فرزندانشان چیزی جز زیانکاری بر آنها نیفزوده است.

وَمَكْرُوا مَكْرًا كُبَرًا ﴿٢٢﴾

و (این رهبران گمراه) مکر عظیمی به کار بردند،

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا
يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ﴿٢٣﴾

و گفتند: دست از معبودان خود بردارید (بخصوص) بت‌های «ود»، «سواع»، «یغوث»،
«یعوق» و «نسر» را رها نکنید.

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ
الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ﴿٢٤﴾

و آنها بسیاری را گمراه کردند. خداوندا، ستمکاران را جز گمراهی میفزا!

مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ
مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا ﴿٢٥﴾

(آری، سرانجام) همگی بخاطر گناهانشان غرق شدند و در آتش دوزخ وارد گشتند، و
جز خدا یاورانی برای خود نیافتند.

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ
مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ﴿٢٦﴾

نوح گفت: «پروردگارا! هیچ کس از کافران را بر روی زمین باقی مگذار!

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ
وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فِاجِرًا كَفَّارًا ﴿٢٧﴾

چرا که اگر آنها را باقی بگذاری، بندگان را گمراه می کنند و جز نسلی فاجر و کافر به دنیا نمی آورند.

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ
لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا

پروردگارا! مرا، و پدر و مادرم و همه کسانی را که با ایمان وارد خانه من شدند، و جمیع مردان و زنان با ایمان را بیامرزه و ستمکاران را جز هلاکت ميفزا!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه الجن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا
 سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا ﴿١﴾

بگو: به من وحی شده است که جمعی از جنّ به سخنانم گوش فرا داده اند، سپس گفته اند: «ما قرآن عجیبی شنیده ایم،

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ
نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا ﴿٢﴾

که به راه راست هدایت می‌کند، پس ما به آن ایمان آورده ایم و هرگز کسی را همتای
پروردگارمان قرار نمی‌دهیم،

وَأَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ﴿٣﴾

و این که والا است مقام با عظمت پروردگار ما، و او هرگز برای خود همسرو فرزندی
انتخاب نکرده است،

وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ﴿٤﴾

و این که سفیه ما (ابلیس) درباره خداوند سخنان ناروا می گفت،

وَأَنَا ظَنَّا أَنْ لَنْ نَقُولَ الْإِنْسُ
وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿٥﴾

و این که ما گمان می کردیم که انس
و جن هرگز بر خدا دروغ نمی بندند،

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ
الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ﴿٦﴾

و این که مردانی از بشر به مردانی از جن پناه می بردند، و برگمراهی و طغیان آنان
می افزودند،

وَأَنَّهُمْ ظُنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنَّ لَنَا
يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا ﴿٧﴾

و این که آنها گمان کردند، همان گونه که شما گمان می کردید که خداوند هرگز کسی را
(به نبوت) مبعوث نمی کند،

وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مَلِيئًا
حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا ﴿٨﴾

و این که ما آسمان را جستجو کردیم و آن را پراز محافظان قوی و تیرهای شهاب
یافتیم،

وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ
الآن يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا ﴿٩﴾

و این که ما پیش از این به استراق سمع در آسمانها می نشستیم؛ اما اکنون هرکس
بخواهد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می یابد،

وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرُّ أَمْ لَأَرْبَابٌ بَيْنَ يَدَيْ الْأَرْضِ
 أَمْ أُرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشْدًا ﴿١٠﴾

و این که (با این اوضاع) ما نمی دانیم آیا اراده شرّی درباره اهل زمین شده یا
 پروردگارشان خواسته است آنان را هدایت کند؟!

وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ
كُنَّا طَرِيقَ قَدَدًا ﴿١١﴾

و این که در میان ما، افرادی صالح و افرادی غیر صالحند؛ و ما گروه‌های متفاوتی هستیم،

وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ
وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا ﴿١٢﴾

و این که ما یقین داریم هرگز نمی توانیم بر اراده خداوند در زمین غالب شویم و
نمی توانیم از (پنجه قدرت) او بگریزیم،

وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا
يَخَافُ بَحْصًا وَلَا رَهَقًا ﴿١٣﴾

و این که ما هنگامی که هدایت (قرآن) را شنیدیم به آن ایمان آوردیم؛ و هرکس به پروردگارش ایمان بیاورد، نه از نقصان (در پاداش) می ترسد و نه از ستم (در مجازات).

وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ
فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ﴿١٤﴾

و این که گروهی از ما مسلمان و گروهی ستمکارند؛ هرکس اسلام را اختیار کند
راه راست را برگزیده است،

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿١٥﴾

و اما ستمکاران آتشگیره و هیزم دوزخند.

وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ
لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا ﴿١٦﴾

و این که اگر آنها [= جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان (باران) سیرابشان می‌کنیم.

لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ
عَذَاباً صَعَدًا ﴿١٧﴾

تا آنها را با این نعمت فراوان بیازماییم؛ و هرکس از یاد پروردگارش روی گرداند، او را به
عذاب فزاینده ای گرفتار می سازد!

وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾

و این که مساجد از آنِ خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید.

وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا
يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ﴿١٩﴾

و این که هنگامی که بنده خدا [= محمد] به عبادت برمی خاست و او را می خواند،
گروهی پیرامون او بشدت ازدحام می کردند.»

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا ﴿٢٠﴾

بگو: «من تنها پروردگارم را می خوانم و هیچ کس را همتای او قرار نمی دهم.»

قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿٢١﴾

بگو: «من مالک زیان و هدایتی برای شما نیستم.»

قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ
أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿٢٢﴾

بگو: «اگر من نیز برخلاف فرمانش رفتار کنم) هیچ کس مرا در برابر خداوند حمایت
نمی کند و پناهگاهی جز او نمی یابم؛

إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ
لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ﴿٢٣﴾

تنها وظیفه من ابلاغ از سوی خدا و رساندن رسالات اوست؛ و کسانی که نافرمانی خدا
و پیامبرش کنند، آتش دوزخ از آن آنهاست و جاودانه در آن می مانند.»

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ
 نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا ﴿٢٤﴾

(این کارشکنی کفار همچنان ادامه می یابد) تا هنگامی که آنچه را به آنها وعده داده شده ببینند؛ آنگاه می دانند چه کسی یاورش ضعیف تر و جمعیتش کمتر است!

قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ
أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ﴿٢٥﴾

بگو: «من نمی دانم آنچه به شما وعده داده شده نزدیک است یا پروردگارم زمانی برای آن قرار می دهد؟!»

عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ﴿٢٦﴾

دانای غیب اوست و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی سازد،

إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ﴿٢٧﴾

مگر پیامبرانی که (آنان را برگزیده و) از آنها راضی است و مراقبینی از پیش رو و پشت
سر برای آنها قرار می‌دهد،

لَيَعْلَمَ أَنَّ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتٍ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ
وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا ﴿٢٨﴾

تا معلوم شود پیامبران رسالت‌های پروردگارش را ابلاغ کرده اند؛ و او به آنچه نزد آنهاست احاطه دارد و همه چیز را احصا کرده است.»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه مزمل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ ﴿١﴾

ای جامه به خود پیچیده!

قَمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢﴾

شب را، جز کمی، به پا خیز.

نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿٣﴾

نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن،

أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرِئِلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً ﴿٤﴾

یا بر نصف آن بیفزای، و قرآن
را با تأمل و دقت بخوان.

إِنَّا سَأَلْنَاكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ﴿٥﴾

چرا که ما بزودی سخنی سنگین
به تو القا خواهیم کرد.

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً ﴿٦﴾

به یقین نماز و عبادت شبانه گامی استوارتر و گفتاری پایدارتر است.

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ﴿٧﴾

زیرا تو در روز تلاش مستمر و طولانی خواهی داشت (و عبادت شبانه به تو نیرو می بخشد).

وَادْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَيَّلْ إِلَيْهِ تَبْيَلًا ﴿٨﴾

نام پروردگارت را یاد کن و تنها به او دل ببند.

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ﴿٩﴾

اوست پروردگار مشرق و مغرب که معبودی جز او نیست، پس او را تکیه گاه خود
انتخاب کن،

وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ
وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ﴿١٠﴾

و در برابر آنچه (دشمنان) می‌گویند شکیبیا باش
و به طرزى شایسته از آنان دورى گزین.

وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِيَ النَّعْمَةِ
وَمَهْلَهُمْ قَلِيلًا ﴿١١﴾

و مرا با تکذیب کنندگان صاحب نعمت واگذار، و آنها را کمی مهلت ده،

إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ﴿١٢﴾

که (برای آنها) نزد ما غل و زنجیرها
و (آتش) دوزخ است،

وَطَعَاماً ذَا غُصَّةٍ وَعَذَاباً أَلِيماً ﴿١٣﴾

و غذایی گلوگیر، و عذابی دردناک،

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ
وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيباً مَّهَيْلاً ﴿١٤﴾

در آن روز که زمین و کوهها سخت به لرزه درمی آید، و کوهها (چنان درهم کوبیده می شود که) به شکل توده هایی از شن نرم در می آید.

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا
أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ﴿١٥﴾

ما پیامبری به سوی شما فرستادیم که گواه بر شماست، همان گونه که به سوی
فرعون پیامبری فرستادیم.

فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً ﴿١٦﴾

(ولی) فرعون به مخالفت و نافرمانی آن پیامبر برخاست، و ما او را سخت مجازات کردیم.

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا
يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ﴿١٧﴾

شما (نیز) اگر کافر شوید، چگونه خود را (از عذاب) روزی که کودکان را
پیر می کند برکنار می دارید؟!

السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ﴿١٨﴾

و در آن روز آسمان از هم شکافته می شود،
و وعده الهی، انجام شدنی است.

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اخْتَدِ
إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿١٩﴾

این هشدار و تذکری است، پس هرکس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند.

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَ
 نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ
 اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ

پروردگارت می داند که تو و گروهی از آنها که با تو هستند نزدیک دو ثلث از شب یا نصف یا ثلث آن را به پا می خیزید؛ (و به عبادت و تلاوت قرآن می پردازید) خداوند شب و روز را اندازه گیری می کند؛ او می داند که شما نمی توانید مقدار آن را (به دقت برای عبادت کردن) اندازه گیری کنید، پس شما را بخشید؛

فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ
 مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ
 اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ

اکنون آنچه برای شما میسر است قرآن بخوانید. او می داند بزودی گروهی از شما بیمار
 می شوند، و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی (و کسب روزی) به سفر
 می روند، و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می کنند (و از تلاوت قرآن باز می مانند)، پس
 آنچه برای شما ممکن است از آن تلاوت کنید

وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا
 وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا
 وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٠﴾

و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و به خدا «قرض الحسنه» دهید (در راه او انفاق
 نمایید) و (بدانید) آنچه از کارهای نیک برای خود از پیش می فرستید آن را نزد خدا
 به بهترین وجه و بزرگترین پاداش خواهید یافت؛ و از خدا آمرزش بطلبید که خداوند
 آمرزنده و مهربان است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه المدثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿١﴾

ای جامه خواب به خود پیچیده
(و در بستر آرمیده)!

قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿٢﴾

برخیز و انداز کن،
(و جهانیان را بیم ده)

وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ ﴿٣﴾

و پروردگارت را بزرگ بشمار

وَتِيَابِكَ فَطَهِّرْ ﴿٤﴾

و لباست را پاکیزه دار،

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿٥﴾

و از پلیدی دوری کن،

وَلَا تَمَنَّيَنَّ تَسْكَرُ ﴿٦﴾

و منت مگذار و عملت را بزرگ مشمار،

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ﴿٧﴾

و بخاطر پروردگارت شکیبایی کن.

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ﴿٨﴾

و (بدانید) هنگامی که در «صور» دمیده شود،

فَذَلِكِ يَوْمِئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿٩﴾

آن روز، روز سختی است،

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴿١٠﴾

که برای کافران آسان نیست!

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيداً ﴿١١﴾

مرا با کسی که او را به تنهایی
آفریده ام واگذار!

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ﴿١٢﴾

همان کس که برای او مال
گسترده ای قرار دادم،

وَبَيْنَ شُهُوداً ﴿١٣﴾

و فرزندان فراوانی که همواره در کنار او
(و در خدمت او) هستند،

وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ﴿١٤﴾

و وسایل زندگی را (از هر نظر) برایش
فراهم ساختم!

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ﴿١٥﴾

باز طمع دارد که (به آن) بیفزایم.

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا ﴿١٦﴾

هرگز. چنین نخواهد شد؛ چرا که او نسبت
به آیات ما دشمنی می ورزد.

سَأُرْهِقُهُ صَعُوداً ﴿١٧﴾

و بزودی او را مجبور می‌کنم که از قله زندگی بالا رود. (پس او را به زیر می‌افکنم)!

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾

او (برای مبارزه با قرآن) اندیشه کرد
و نقشه ای (شیطانی) کشید!

فُقِیلَ کَیْفَ قَدَّرَ ﴿۱۹﴾

مرگ براو! چگونه نقشه ای کشید؟!

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَرًا ﴿٢٠﴾

باز هم مرگ بر او، چگونه نقشه کشید؟!

ثُمَّ نَنْظُرْ ﴿۲۱﴾

پس نگاهی کرد،

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿۲۲﴾

و چهره درهم کشید و عجولانه
دست به کار شد؛

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿٢٣﴾

سپس پشت کرد و تکبر ورزید،

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُوتَرُ ﴿٢٤﴾

و سرانجام گفت: «این (قرآن) چیزی
جز سحر پیشینیان نیست!

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٥﴾

این فقط سخن انسان است.»

سَأُصَلِّيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾

(اُمّ) بزودی او را وارد سَقَرَ = دوزخ [می‌کنم!]

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ ﴿٢٧﴾

و توجه می دانی «سَقَر» چیست!

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾

(آتشی است که) نه چیزی را باقی می‌گذارد
و نه رها می‌سازد.

لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾

پوست را دگرگون می کند.

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٢٠﴾

نوزده (نگهبان) بر آن گمارده شده اند!

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا
 فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ
 الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ

نگهبانان دوزخ را فقط فرشتگان (عذاب) قرار دادیم، و تعداد آنها را جز برای آزمایش کافران
 معین نکردیم تا اهل کتاب [= یهود و نصاری] یقین پیدا کنند و برایمان مؤمنان بیفزایند، و
 اهل کتاب و مؤمنان (در حقانیت این کتاب آسمانی) تردید به خود راه ندهند،

وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ
 بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ
 مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ ﴿٣١﴾

و بیماردلان و کافران بگویند: «خدا از این سخن چه منظوری دارد؟!»، (آری) این گونه
 خداوند هرکس را بخواهد گمراه می سازد و هرکس را بخواهد هدایت می کند. و لشکریان
 پروردگارت را جز او کسی نمی داند، و این جز هشدار و تذکری برای انسانها نیست!

كَلَّا وَالْقَمَرِ ﴿٣٢﴾

هرگز چنین نیست سوگند به ماه،

وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ ﴿۳۳﴾

و به شب، هنگامی که (دامن برچینید و) پشت کند،

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ﴿٣٤﴾

و به صبح هنگامی که چهره بگشاید،

إِنهَا لِأَحَدَى الْأَكْبَرِ ﴿٢٥﴾

که آن (حوادث هولناک قیامت)
از مسائل مهم است!

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ﴿٣٦﴾

هشدار است برای همه انسانها،

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ﴿٣٧﴾

برای کسانی از شما که می خواهند (به سوی هدایت) پیش روند یا عقب بمانند

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ﴿٣٨﴾

(آری) هرکس در گرو اعمال خویش است،

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ﴿٣٩﴾

مگر «اصحاب یمین» (که نامه اعمالشان را به دست راستشان می دهند)!

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٤٠﴾

آنها در باغهای بهشتی اند، و سؤال می کنند،

عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾

از مجرمان:

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤٢﴾

«چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟!»

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾

می گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم،»

وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ ﴿٤٤﴾

و اطعام مستمند نمی کردیم،

وَكَأَنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿٤٥﴾

و پیوسته با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم،

وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٤٦﴾

و همواره روز جزا را انکار می کردیم،

حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ ﴿٤٧﴾

تا زمانی که مرگ ما فرا رسد!

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ﴿٤٨﴾

از این رو شفاعت شفاعت کنندگان
به حال آنها سودی نمی بخشد.

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ ﴿٤٩﴾

چرا آنها از تذکر روی گردانند؟!

كَانَ لَهُمْ حَمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥٠﴾

گویی گورخرانی رمیده اند،

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿۵۱﴾

که از (مقابل) شیری فرار کرده اند!

بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَى
صُحُفًا مَنشُورَةً ﴿٥٢﴾

بلکه هر کدام از آنها انتظار دارد نامه جداگانه ای (از سوی خدا) به او داده شود.

كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ﴿٥٣﴾

هرگز چنین نیست (که آنان می گویند،)
بلکه آنها از آخرت نمی ترسند.

كَلَّا إِنَّهُ تَذَكَّرٌ ﴿٥٤﴾

هرگز چنین نیست (که آنها می گویند) آن (قرآن) یک تذکر و یادآوری است.

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿۵۵﴾

و کسانی که بخواهند از آن پند می گیرند;

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ

الْمَغْفِرَةِ ﴿٥٦﴾

و آنها پند نمی گیرند مگر این که خدا بخواهد؛ او اهل تقوا و اهل آمرزش است (و به هر کس آنچه لایق باشد می دهد).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه قیامة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ ﴿۱﴾

سوگند به روز قیامت،

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ﴿٢﴾

و سوگند به نفس ملامتگر
(و وجدان بیدار که رستاخیز حق است)!

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ ﴿٣﴾

آیا انسان می‌پندارد که هرگز استخوانهای او را جمع نخواهیم کرد؟!

بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسْوِيَّ بَنَانَهُ ﴿٤﴾

آری قادریم که (حتی خطوط سر) انگشتان او را موزون و مرتب کنیم.

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ﴿٥﴾

(انسان شک در معاد ندارد) بلکه او می خواهد (آزادانه) در تمام عمر گناه کند

يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ﴿٦﴾

(از این رو) می پرسد:
«روز قیامت کی خواهد بود»؟!

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصْرُ ﴿۷﴾

(بگو:) در آن هنگام که چشمها از شدت
وحشت خیره گردد،

وَخَسَفَ الْقَمَرُ ﴿٨﴾

وماه بی نور شود،

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾

و خورشید و ماه با هم جمع شوند،

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُغُ ﴿١٠﴾

آن روز انسان می گوید: «راه فرار کجاست؟!»

كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿۱۱﴾

هرگز چنین نیست، (راه فرار و)
پناهگاهی وجود ندارد!

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ﴿١٢﴾

آن روز قرارگاه نهایی تنها به سوی
پروردگار تو است؛

يُنَبِّئُوا الْإِنْسَانَ بِيَوْمِئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ﴿١٣﴾

و در آن روز انسان را از آنچه که از پیش
و پشت سر فرستاده آگاه می کنند.

بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ﴿١٤﴾

بلکه انسان از وضع خویش آگاه است،

وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ ﴿۱۵﴾

هرچند (در ظاهر) برای خود عذرهایی بتراشد.

لَا تُحَرِّكْ بِهٖ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهٖ ﴿١٦﴾

(هنگام نزول وحی) زبانت را بخاطر عجله برای خواندن آن حرکت مده،

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ﴿١٧﴾

چرا که جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست.

فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ﴿۱۸﴾

پس هرگاه آن را خواندیم، از خواندن
آن پیروی کن

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴿١٩﴾

سپس بیان (و توضیح) آن (نیز) بر عهده ماست.

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ﴿٢٠﴾

هرگز چنین نیست (که شما می‌پندارید!) بلکه شما دنیای زودگذر را دوست دارید

وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ ﴿٢١﴾

وآخرت را رها می کنید.

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ ﴿٢٢﴾

(آری) در آن روز صورتهایی شاداب
و مسرور است،

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿٢٣﴾

و به (الطاف) پروردگارشان می نگرند.

وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ بِاسِرَةٍ ﴿٢٤﴾

و در آن روز صورتهایی عبوس
و درهم کشیده است،

تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ﴿٢٥﴾

(زیرا) می‌دانند عذابی کمرشکن در پیش دارند!

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ﴿٢٦﴾

هرگز چنین نیست (او ایمان نمی آورد) تا موقعی که جان به گلوگاهش رسد،

وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ ﴿٢٧﴾

و گفته شود: «آیا کسی هست که
(این بیمار را از مرگ) نجات دهد؟!»

وَزَنَّا أَنَّهُ الْفِرَاقُ ﴿٢٨﴾

(در این هنگام) او به جدایی از
دنیا یقین پیدا می کند،

وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ ﴿٢٩﴾

و ساق پاها (از سختی جان دادن)
به هم می پیچد!

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ﴿٣٠﴾

در آن روز مسیر همه به سوی (دادگاه) پروردگارت خواهد بود.

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّى ﴿٣١﴾

(در آن روز گفته می شود:) او ایمان
نیاورد و نماز نخواند،

وَلٰكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿۳۲﴾

بلکه تکذیب کرد و روی گردان شد،

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّى ﴿٣٣﴾

سپس به سوی خانواده خود بازگشت در حالی که متکبرانه قدم برمی داشت.

أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ ﴿٣٤﴾

(با این اعمال) عذاب الهی برای
تو شایسته تر است، شایسته تر!

ثُمَّ أَوَّلَىٰ لَكَ فَأَوَّلَىٰ ﴿٣٥﴾

باز هم عذاب برای تو شایسته تر است،
شایسته تر!

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ﴿٢٦﴾

آیا انسان گمان می کند بی هدف رها می شود؟!

أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيِّ يَمِينٍ ﴿٣٧﴾

آیا او نطفه ای از منی که در رحم
ریخته می شود نبود؟!

ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى ﴿٣٨﴾

سپس بصورت خون بسته درآمد،
و خداوند او را آفرید و موزون ساخت،

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ﴿٣٩﴾

واز آن، دو زوج مرد و زن آفرید.

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ﴿٤٠﴾

آیا چنین کسی قادر نیست که مردگان را زنده کند؟!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه انسان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ
لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً ﴿١﴾

آیا این گونه نیست که زمانی طولانی از روزگار بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود؟!

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ
سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٢﴾

ما انسان را از نطفه به هم آمیخته ای آفریدیم، و او را می آزماییم؛ (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم.

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ﴿٣﴾

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد
(و پذیرا گردد) یا ناسپاس.

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ﴿٤﴾

ما برای کافران، زنجیرها و غلها و شعله های سوزان آتش آماده کرده ایم!

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ
مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٥﴾

به یقین ابرار (و نیکان) از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است،

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴿٦﴾

از چشمه ای که بندگان خاص خدا از آن می نوشند، و (از هر جا بخواهند)
آن را جاری می سازند.

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا
كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿٧﴾

آنها به نذر خود وفا می‌کنند، و از روزی که شرّ و عذابش گسترده است می‌ترسند،

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا
وَيَتِيمًا وَأُسِيرًا ﴿٨﴾

و غذای (خود) را با این که به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مستمند» و «یتیم»
و «اسیر» اطعام می‌کنند.

إِنَّمَا نُنْطِئُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ
جَزَاءً وَلَا شُكُوراً ﴿٩﴾

(و می گویند:) ما شما را بخاطر خدا اطعام می کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم.

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿١٠﴾

ما از پروردگارمان خائفیم در آن روزی
که عبوس و سخت است.

فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ
وَلَقَّاهُمْ نَصْرَةً وَسُرُورًا ﴿١١﴾

(بخاطر این عقیده و عمل) خداوند آنان را از شرّ آن روز ننگه می‌دارد و از آنها استقبال می‌کند در حالی که شادمان و مسرورند

وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ﴿١٢﴾

و در برابر صبرشان، بهشت و لباسهای حریر (بهشتی) را به آنها پاداش می دهد.

مُتَكِّئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا
زَمْهَرِيرًا ﴿١٣﴾

در آنجا بر تختهای زیبا تکیه کرده اند، نه آفتاب (سوزان) را در آن جا می بینند و نه
سرما را.

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا
وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ﴿١٤﴾

و در حالی است که سایه های آن (درختان بهشتی) بر آنها فرو افتاده و چیدن میوه
هایش بسیار آسان است.

وَيُطَافُ عَلَيْهِم بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ
وَأَكْوَافٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا ﴿١٥﴾

و در گردا گرد آنها ظرفهایی سیمین و قدحهایی بلورین می گردانند،
(پراز بهترین غذاها و نوشیدنیها)

قَوَارِيرًا مِّنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ﴿١٦﴾

ظرفهای بلورینی از نقره (شفاف)، که آنها را به اندازه مناسب آماده کرده اند.

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِرْجَاهَا زَنْجَبِيلًا ﴿١٧﴾

و در آن جا از جامهائی سیراب می شوند لبریز (از شراب طهوری) که آمیخته با زنجبیل است،

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا ﴿١٨﴾

از چشمه ای در آنجا که نامش سلسبیل است.

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ
 لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا ﴿١٩﴾

و برگردشان (برای پذیرایی) نوجوانانی جاودانی می گردند که هرگاه آنها را ببینی
 گمان می کنی مروارید پراکنده اند.

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا ﴿٢٠﴾

و هنگامی که آن جا را ببینی نعمت و ملک عظیمی را می بینی!

عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدِيٌّ خُضْرٌ وَأَسْتَبْرَقٌ وَحُلُوعٌ
 أَسَاوِرٌ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا ﴿٢١﴾

بر اندام آنها [= بهشتیان] لباسهایی است از حریر نازک سبزرنگ، و از دیبای ضخیم،
 و با دستبندهایی از نقره آراسته شده اند، و پروردگارشان شراب طهور به آنان
 می نوشاند.

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً
وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا ﴿٢٢﴾

این پاداش شماست، و سعی و تلاش
شما مورد قدردانی است.

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا ﴿٢٣﴾

به یقین قرآن را ما بر تو نازل کردیم.

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ
مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا ﴿٢٤﴾

پس در (تبلیغ و اجرای) حکم پروردگارت شکیبا و با استقامت باش، و از هیچ گنهکاری یا کافری از آنان اطاعت مکن.

وَأذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلاً ﴿٢٥﴾

و نام پروردگارت را هر صبح و شام یاد کن.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا ﴿٢٦﴾

و پاسی از شب را برای او سجده کن، و مقداری طولانی از شب، او را تسبیح گوی.

إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ
وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا ﴿٢٧﴾

آنها زندگی زودگذر دنیا را دوست دارند، در حالی که روز سختی را پشت سر خودرها می‌کنند.

نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا
أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا ﴿٢٨﴾

ما آنها را آفریدیم و پیوندهای وجودشان را محکم کردیم، و هر زمان بخواهیم جای
آنان را به گروهی همانند آنان می دهیم.

إِن هَذِهِ تَذِكْرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اخْتِذْ
إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٢٩﴾

این یک تذکرو یادآوری است، و هرکس بخواهد (با استفاده از آن) راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند.

وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٢٠﴾

و شما (چیزی را) نمی خواهید مگر این که خدا بخواهد، خداوند دانا و حکیم بوده و هست.

يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا
أَلِيمًا ﴿٣١﴾

هرکس را بخواهد (و شایسته باشد) در رحمت (وسیع) خود وارد می‌کند، و برای
ستمکاران عذاب دردناکی آماده ساخته است!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه مرسلات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ﴿۱﴾

سوگند به فرشتگانی که پی در پی
فرستاده می شوند،

فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا ﴿٢﴾

و آنها که همچون تندباد حرکت می کنند،

وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا ﴿۳﴾

و سوگند به آنها که (ابرها را) می گسترانند،

فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا ﴿٤﴾

و آنها که جدا می کنند،

فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا ﴿٥﴾

و سوگند به آنها که آیات بیدارگر
(الهی) را (به انبیا) القا می نمایند،

عُذْرًا أَوْ نَذْرًا ﴿٦﴾

برای اتمام حجّت یا انذار،

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ ﴿٧﴾

(سوگند به همه این امور) که آنچه به شما (درباره قیامت) وعده داده می شود،
واقع شدنی است!

فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ ﴿٨﴾

در آن هنگام که ستارگان محو و تاریک شوند

وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ﴿٩﴾

و (کرات) آسمان از هم بشکافند،

وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ﴿١٠﴾

و آنگاه که کوهها از جا کنده و متلاشی شوند،

وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِيتِ ﴿١١﴾

و در آن هنگام که برای پیامبران (به منظور ادای شهادت) تعیین وقت شود.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَوْمَ أُجِّلَتْ ﴿١٢﴾

(این شهادت) برای چه روزی به تأخیر افتاده؟!)

لَيَوْمِ الْفَصْلِ ﴿١٣﴾

برای روز جدایی (حق از باطل).

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ﴿١٤﴾

توجه می دانی روز جدایی چیست؟!

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٥﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان.

أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦﴾

آیا ما اقوام (مجرم) نخستین را هلاک نکردیم؟!

ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ ﴿١٧﴾

سپس دیگران را به دنبال آنها می فرستیم.

كَذَلِكَ نَفَعُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿١٨﴾

(آری) این گونه با مجرمان رفتار می کنیم.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٩﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ﴿٢٠﴾

آیا شما را از آبی پست و ناچیز نیافریدیم،

فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿٢١﴾

سپس آن را در قرارگاهی مطمئن
و آماده [= رحم] قرار دادیم،

إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ ﴿٢٢﴾

تا مدتی معین؟!!

فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ ﴿۲۳﴾

ما توانایی بر این کار داشتیم، پس ما چه توانای خوبی هستیم (و امر معاد برای ما آسان است).

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٤﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ﴿٢٥﴾

آیا زمین را مرکز اجتماع (شما) قرار ندادیم،

أَحْيَاءٌ وَأَمْوَاتًا ﴿٢٦﴾

برای زندگان و مردگان (شما)؟!!

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ
وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا ﴿٢٧﴾

و در آن کوههای استوار و بلندی قرار دادیم،
و آبی گوارا به شما نوشاندیم.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٨﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

انْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٩﴾

(در آن روز به آنها گفته می‌شود:) بی درنگ، به سوی همان چیزی که پیوسته آن را تکذیب می‌کردید بروید.

انْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ﴿٣٠﴾

بروید به سوی سایه ای سه شاخه
(از دودهای خفقان بار و آتش زا)!

لا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ ﴿٣١﴾

سایه ای که نه آرام بخش است و نه از شعله های آتش جلوگیری می کند!

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرِّ كَالْقَاصِرِ ﴿٣٢﴾

شراره هایی (از خود) پرتاب
می کند به بزرگی یک کاخ!

كَانَهُ جَمَلًا صُفْرًا ﴿۳۳﴾

گویی (در سرعت و کثرت) همچون شتران زرد رنگی هستند (که به هر سو پراکنده می‌شوند)!

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٤﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ ﴿٣٥﴾

امروز روزی است که سخن نمی گویند
(و قادر بر دفاع از خویشتن نیستند)،

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَدِرُونَ ﴿٣٦﴾

و به آنها اجازه داده نمی شود
تا عذرخواهی کنند.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٧﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾

(و به آنها گفته می شود:) امروز، روز جدایی (حق از باطل) است که شما و پیشینیان را در آن جمع کرده ایم.

فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا ﴿٣٩﴾

اگر چاره ای در برابر من (برای فرار از چنگال مجازات) دارید انجام دهید!

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٠﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ ﴿٤١﴾

(در آن روز) پرهیزگاران در سایه های (درختان بهشتی) و در میان چشمه ها قرار دارند،

وَفَوَاصِحَةٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٤٢﴾

و میوه هایی از آنچه مایل باشند.

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾

بخورید و بنوشید گوارا باد بر شما، اینها در برابر اعمالی است که انجام می دادید!

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٤٤﴾

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٥﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

كُلُوا وَتَمَتُّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ ﴿٤٦﴾

(و به مجرمان بگو:) بخورید و اندکی (از زندگی دنیا) بهره گیرید (ولی بدانید عذاب الهی در انتظار شماست) چرا که شما مجرمید.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٧﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ ﴿٤٨﴾

و هنگامی که به آنها گفته شود
رکوع کنید رکوع نمی کنند.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٠﴾

(و اگر آنها به این قرآن ایمان نمی آورند) پس به کدام سخن بعد از آن ایمان می آورند؟!)

صدق الله العلي العظيم